

# داستان عکس‌ها

## آدم‌ها

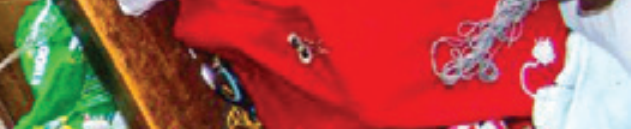
گفت‌وگو با عکاس و مستندساز فرانسوی

که در ۶ سال به ۵۵ کشور سفر کرده

تا از اتاق ۱۲۰۰ سوژه عکاسی کند

و درباره سبک زندگی‌شان

با آن‌ها گفت‌وگو داشته‌باشد



ترکس عزیزی روزنامه‌نگار

پرونده

عکس‌های پروژه «اتاق من» بسیار جذاب‌اند. زاویه انتخاب‌شده عکس‌ها که از بالا است، کمک می‌کند تا بتوانیم جزئیات جالبی از اتاق محل زندگی افراد مختلف را مشاهده کنیم. افراد مختلف در کشور های مختلف با سبک زندگی‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، در همه این عکس‌ها، فردی جوان در میانه اتاق نشسته‌است و دور و بر او وسایل مختلف قرار گرفته‌اند اما داستان این عکس‌ها چیست؟ چه کسی برای چیدمان اتاق در زمان عکاسی تصمیم گرفته‌است و اصلا هدف از این پروژه چیست؟ برای آشنایی بیشتر با این پروژه با عکاس آن یعنی «جان تکرر» تماس گرفتیم. ایمل اول ما برای چند هفته جوابی دریافت نکرد اما در نهایت بعد از پیگیری از راه‌های مختلف و صبوری زیاد، بالاخره بعد از نزدیک به یک ماه، پاسخ «جان» از راه رسید. جان در پاسخ به سوالاتی که از او کرده بودیم، اطلاعات تکمیلی درباره این پروژه ابرای ما ارسال کرد و به صورت اختصاصی به ضمیمه زندگی‌سلام روزنامه خراسان اجازه داد تا عکس‌های او را منتشر کند. این شما و این پروژه عکاسی متفاوت «اتاق من» و اطلاعات جالبی درباره آن که جای دیگری منتشر نشده‌است.

### هدفم مستندسازی سبک زندگی هم نسل‌هایم است

#### «جان تکرر» به سوالات ما درباره این پروژه متفاوت عکاسی، اهدافش، جذاب‌ترین نکاتش و... پاسخ می‌دهد

«جان تکرر» یا با تلفظ فرانسوی‌ها «تک‌غی»، عکاس و فیلم‌ساز فرانسوی است. کار اصلی او فیلم‌سازی و عکاسی‌است و بیشتر کارگردانی‌ویدئو کلیپ انجام می‌دهد. البته دغدغه‌های انسانی و توجه او به موضوعات اجتماعی باعث شده تا او در کنار عکاسی، فیلم‌سازی و وب‌گزاری نمایشگاه‌های عکاسی، در کنفرانس‌هایی با موضوعات حقوق بشر هم شرکت داشته‌باشد. در پروژه «اتاق من» جان به مدت ۶ سال از متولدین دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی عکاسی کرده‌است که در این مطلب با این پروژه بیشتر آشنا خواهید شد.

#### چرا عکاسی در اتاق؟ چرا از جوانان؟

اولین نکته که جان روی آن تأکید دارد این است که او در پی عکاسی از افراد در اتاق خواب‌شان نبوده بلکه او به دنبال عکاسی از افراد در فضایی بوده که می‌خوابند. اگر در نظر داشته باشید که او از تعدادی جوان در شمال مکزیک در سلول‌های زندان عکاسی کرده‌است، بهتر متوجه تفاوت این دو موضوع خواهید شد. اما چرا عکاسی از متولدین دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی؟ جواب جان به این سوال کوتاه است: «من می‌خواستم سبک زندگی هم‌نسلان خودم را مستندسازی کنم». زمانی که جان در حال اجرای این پروژه بود، یعنی حداقل سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ میلادی، متولدین دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، نسل جوان را تشکیل می‌دادند.

#### ۹۵ درمد و قتم صرف قانع کردن افراد برای همکاری شد

احتمالا همان طور که خودتان حدس می‌زنید، جان در کشور های مختلف رنگ‌خانه افراد ابرای عکاسی بر حسب تضاد فزوده‌است بلکه پیش از عکاسی، زمان زیادی را صرف همراه کردن افراد با این پروژه کرده‌است. او در این باره می‌گوید: «۹۵ درصد زمانی که من برای این پروژه اختصاص دادم، صرف قانع کردن افراد برای همکاری شد. اصل عکاسی زمان زیادی نمی‌گرفت، اما برای پیدا کردن افراد، من از شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای ارتباط گرفتن با افراد، استفاده می‌کردم. گاهی هم البته به ندرت، به صورت مستقیم و در خیابان سراغ افراد می‌رفتم. در هر کشوری لازم بود ابتدا من تعدادی افراد قابل اعتماد را پیدا کنم که هدف من از اجرای این پروژه را در ک کنند و سپس آن‌ها به من کمک می‌کردند.»

#### آن‌چه درباره پشت‌صحنه این عکس‌ها نمی‌دانید

در برخی از عکس‌های این مجموعه به نظر می‌رسد اتاق پیش از عکاسی، آماده شده‌است. در مقابل اما برخی اتاق‌ها در شلخته‌ترین صورت ممکن قرار دارند، اما چیدمان اتاق‌ها کار کیست؟ جان در این باره این طور توضیح می‌دهد: «شرکت کنندگان در نشان دادن پاتهنای کردن در هر وسیله‌ای آزاد بودند. این انتخاب آن‌ها بود و من دخالتی در این زمینه نمی‌کردم. گاهی فرد از من فرصت می‌خواست تا اتاق خود را تمیز کند اما گاهی هم چنین درخواستی مطرح نمی‌شد. البته به نظر می‌رسد جدای از نظر فرد در این که چه چیزی را در اطراف خود قرار بدهد، نظر افراد دیگری هم در این زمینه موثر بوده‌است. افرادی که البته ما آن‌ها را نمی‌بینیم اما جان درباره آن‌ها این طور توضیح می‌دهد: «چیزی که شما در این عکس‌ها نمی‌بینید، افراد پشت صحنه هستند. افرادی چون همسر، دوست، والدین و خواهر یا برادر فرد، پیش می‌آمد که حتی تا ده نفر در پشت صحنه حضور داشته باشند».



جزوه ۲۳ ساله، دانشجوی حسابداری، کپاکالی، رومانی

#### عکس مورد علاقه «جان» کدام است؟

هر کدام از این عکس‌ها در شرایط خاصی گرفته شده‌اند، عکس‌هایی که برخی از نظر زیبایی‌ظاهری، جذابیت‌های بیشتری دارند اما از نظر عکاس این عکس‌ها، کدام عکس جذاب‌تر است؟ جان در این باره توضیحات جالبی دارد: «در ابتدای مسیر، من بیشتر جذب زیبایی‌بصری عکس‌ها و ترکیب‌بندی آن‌ها می‌شدم اما آرام آرام توجه من به داستان آدم‌ها جلب شد. حالا برای من بهترین عکس‌ها آن‌هایی هستند که قوی‌ترین داستان‌ها را دارند. آن‌هایی که واقعیت ناآشنایی را برای من به نمایش می‌گذارند، یا موضوعی را که برای من بسیار دور از ذهن بوده‌است روایت می‌کنند. عکس پناهجویان سوریه‌ای در اردوگاهی در لبنان که تمام زندگی‌شان را در جنگ از دست داده بودند، برای من بسیار ناراحت‌کننده بود یا عکس جوان اهل روماندا که در زمان نسل‌کشی ۱۹۹۴، کودک خردسالی بود و تمام خانواده‌اش را در آن زمان از دست داده بود یا زندانیانی که در شمال مکزیک از آن‌ها عکس گرفتیم». جان البته داستان ۱۰۰ شخص را که از آن‌ها عکاسی کرده در کتاب خود منتشر کرده‌است که به عنوان نمونه، دو روایت از این مجموعه را در بخش دیگری از این پرونده، خواهید خواند.



آندریا، ۲۴ ساله، مهندس عمران، بخارسر، رومانی



مارسلو، ۱۸ ساله، دبیرستانی، لاپاز، بولیوی

ثبت کند و با توجه به تغییر سریع شرایط، ارزش کار او در آینده بیشتر مشخص خواهد شد، اما برای همین امروز، دیدن این عکس‌ها چه ارزشی می‌تواند داشته‌باشد. جان می‌گوید: «اگر افراد بعد از دیدن عکس‌های این پروژه، از دنیای اطراف خود کمی آگاه‌تر شوند، باعث خوشحالی من است».

### پروژه بعدی جان چیست؟

جان حالا درگیر پروژه جدید خود است. پروژه‌ای که این بار هم قرار است طی چند سال انجام شود. جان درباره پروژه جدید خودش این طور توضیح داده‌است: «تمام چیزی که در باره کار جدید می‌توانم بگویم این است که پروژه اتاق من حول محور جوانی و جغرافیا بود اما پروژه جدید من درباره عشق و تاریخ است. مطمئنم عکس‌های جذابی در آینده در همین باره خواهید دید».

## قصه‌ها مهم‌تر از عکس‌ها هستند

چند روایت برگزیده «جان» که بعد از مصاحبه با افراد حاضر در عکس درباره سبک زندگی‌شان نوشته‌است

شاید با دیدن عکس‌های خوش‌آب و رنگ این پرونده، شما از پروژه «اتاق من» خوش‌تان آمده باشد اما صبر کنید. شما هنوز از بخش دیگری از این پروژه، اطلاع چندانی ندارید. بخشی که می‌تواند باعث شود تا این پروژه تأثیری عمیق‌تر بر شما بگذارد. جان در این پروژه در کنار عکاسی از افراد با آن‌ها، صحبت هم کرده‌است. صحبت‌هایی درباره سبک زندگی آن‌ها، تحصیل، عشق، مذهب و.... در کتابی که جان درباره این پروژه به چاپ رسانده، ۱۰۰ عکس از مجموع ۱۲۰۰ عکس گرفته شده، منتشر شده و در کنار آن صحبت‌های این افراد را هم کار کرده‌است. صحبت‌های این افراد منعکس کننده قصه زندگی آن‌هاست، قصه‌هایی که گذشته آن‌ها را در کنار آینده‌ای که برای خود در نظر دارند، ترسیم می‌کند. در ادامه می‌توانید بخش‌هایی از این روایت‌ها را بخوانید؛ روایتی از مردی جوان از آفریقا و روایتی از یک راهب بودایی از نپال.

#### اتاق ۱۰۴۹-۱۰، اوسیا، ۱۸ ساله چوپان، هاسلومو، لسوتو

سلام به روستای کوچک ما خوش آمدید. در این خانواده‌های کمی زندگی می‌کنند و برای رسیدن به نزدیک‌ترین جاده از این جا باید یک ساعتی پیاده‌روی کنید. من در این خانه تنها زندگی می‌کنم، چرا که پنج سال پیش مادر م و برادرانم برای کار به آفریقای جنوبی رفتند. من برای مراقبت از خانه و گله خانوادگی‌مان، این جا ماندم. ۱۳ سالگی مدرسه را رها کردم و یک چوپان تمام‌وقت شدم؛ کاری که الان هم به آن مشغولم. من همیشه دوست داشتم چوپان بشوم، کاری که از مدرسه رفتن بیشتر به آن علاقه دارم. من باید سخت کار کنم و پول پس‌انداز کنم تا بتوانم حیوان جدیدی بخرم. خانواده‌ام این مسئولیت را به من داده‌اند و من تلاشی می‌کنم تا آن را به بهترین شکل به سرانجام برسانم. برادران من در آفریقای جنوبی زندگی می‌کنند. آن‌ها به عنوان کارگر در سلام به روستای کوچک ما خوش آمدید. در این خانواده‌های کمی زندگی می‌کنند و برای رسیدن به نزدیک‌ترین جاده از این جا باید یک ساعتی پیاده‌روی کنید. من در این خانه تنها زندگی می‌کنم، چرا که پنج سال پیش مادر م و برادرانم برای کار به آفریقای جنوبی رفتند. من برای مراقبت از خانه و گله خانوادگی‌مان، این جا ماندم. ۱۳ سالگی مدرسه را رها کردم و یک چوپان تمام‌وقت شدم؛ کاری که الان هم به آن مشغولم. من همیشه دوست داشتم چوپان بشوم، کاری که از مدرسه رفتن بیشتر به آن علاقه دارم. من باید سخت کار کنم و پول پس‌انداز کنم تا بتوانم حیوان جدیدی بخرم. خانواده‌ام این مسئولیت را به من داده‌اند و من تلاشی می‌کنم تا آن را به بهترین شکل به سرانجام برسانم. برادران من در آفریقای جنوبی زندگی می‌کنند. آن‌ها به عنوان کارگر در

#### اتاق ۳۸۵-۳۸، پما، ۲۲ ساله راهب بودایی، کاتماندو، نپال

اسم من پما است. من در کاتماندو و در این معبد به عنوان یک راهب بودایی آموزش می‌بینم. من سه سال قبل به این جا آمدم. من در سیمپانی، روستایی کوچک در کوه‌های شمال غرب کشور بزرگ شدم. جایی که رفت و آمد به آن سخت است. جاده‌ای وجود ندارد و اتوبوس هم شمارا در فاصله‌ای پیاده می‌کند که برای رسیدن به روستا باید یک روز پیاده‌روی کنید. والدین من کشاورز هستند و دامداری می‌کنند. روستای ما خیلی فقیر است. برق وجود ندارد. من یازده خواهر و برادر دارم که همه در همان روستا زندگی می‌کنند. من تنها عضوی از خانواده هستم که در شهری بزرگ زندگی می‌کنم و برای طی کردن این مسیر معنوی انتخاب شده‌ام. در مدت زمان آموزش که ۷ سال طول خواهد کشید، من خانواده‌ام را نخواهم دید.

در انتها، به عنوان آزمون، به مدت سه سال و نیم تنها در یکی از غارهایی که در شمال شهر هستند، زندگی خواهیم کرد. در آن مدت من باید روی مدیتیشن، مطالعه و دعا تمرکز کنم. من نگران آن مرحله نیستم چرا که خودم را مدت‌هاست برای آن آماده کرده‌ام. بعد از آن من اجازه آموزش بودائیسم را خواهم داشت. البته برای آن زمان مطمئن نیستم که بخواهم در شهری بزرگ بمانم یا به روستایی کوچکم بروم، اما اطمینان دارم که برای زندگی نپال را انتخاب خواهم کرد و به هند نمی‌روم، چرا که زندگی در کوهستان را دوست دارم.

منبع عکس‌ها: myroomphotos.com

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹  
۱۴ دی‌الحج ۱۴۴۱ • ۴ اگوست ۲۰۲۰  
شماره ۲۰۴۲۲

۱۶۶۲

### آمار و ارقام پروژه «اتاق من»

تعداد عکس‌های این پروژه	۱۲۰۰
تعداد کشورهایی که پروژه در آن‌ها اجرا شده	۵۵
مدت زمان اجرای این پروژه نزدیک به ۶ سال بوده‌است	۶
تعداد جوانانی که در هر کشور با آن‌ها مصاحبه شده، بین ۴۰ تا ۶۰ نفر است	۴۰
تعداد نمایشگاه‌های برگزار شده با عکس‌های این پروژه در کشور های مختلف	۲۴
دقیقا نیمی از شرکت کنندگان این پروژه زن و نصف دیگر مرد هستند	۵/۵۰